

روزنه

لیبرال‌های ایرانی به دنبال یک رضاشاه

● **جواد غلامرضا کاشی، خبرنگار می مهر:** نزدیک به سه دهه است که به جهان پسامارکسیسم وارد شده‌ایم. در رسانه‌های غربی خمرهای سرخ و استالین خصلت‌نمای مارکسیسم بودند و جشن‌هایی که پس از فروپاشی بلوک کمونیستی در جهان برقرار شد، نویدبخش آینده‌ای نوام با بسط دموکراسی، کاستن از خشونت و جنگ در سطح بین‌المللی بود. مارکسیسم به‌عنوان یک بازیگر مهم از یک سوی صحنه بیرون رفت، اما از سوی دیگر صلحی به صحنه نیامد. در بسیاری از نقاط جهان، موج تازه دموکراسی‌خواهی به‌ویژه در خاورمیانه به فاجعه‌های بزرگی انجامید. امروز روان جمعی مردم حس یک پایان دارد. اما نه از آن سنخ که متفکران لیبرال پیش‌بینی می‌کردند. پایانی از راه رسیده از این حیث که زمان طعم امیدافکن و شوق‌انگیز خود را از دست داده است. نه لیبرال‌ها انتظار گسترش دموکراسی و جامعه رفاه و پیشرفته می‌برند و نه دیگر کسی انتظار استقرار عدالت در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی دارد. این حس تلخ پایان، با از صحنه بیرون‌رفتن مارکسیسم چه نسبتی دارد؟ این روزها به مناسبت صدمین سالگرد پیروزی انقلاب اکثبر بحث و جدل‌های بسیاری در صحنه جهانی برقرار است. کسانی در موضع جانبداری و کسانی در موضع نقد و انکار، با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. اما بیرون از این جدال ایدئولوژیک، می‌توان از وجود یک خلا بزرگ در دنیای امروز سخن گفت. اجاره دهید بحث را به کشور خود منحصر کنیم.

لیبرال‌های ایرانی به‌تدریج امید به بسط دموکراسی را از دست داده‌اند. دیگر به‌درستی نمی‌دانند چگونه می‌توان راهی برای وصول به دموکراسی کشود. گاه خواسته یا ناخواسته به جامعه پیام می‌دهند که یک رضاشاه باید از راه برسد. کسانی که دل‌سپرده عدالت اجتماعی و اقتصادی‌اند، با تردید به فرودستان

می‌نگرند و قادر نیستند با اطمینان چشم‌اندازهای یک جنبش احتمالی توسط فرودستان را تصدیق کنند. اسلام‌گرایان از همه دل‌نگران‌ترند. قطع نظر از آنچه پدران مارکسیسم در حوزه فلسفه و اقتصاد و جامعه می‌گفتند چه چیز در این میراث فکری وجود داشت که اینک با غیاب آن مواجهیم؟ غیاب چه چیزی است که لیبرالیسم مبارز، عدالت‌خواه صادق و اسلام‌گرای سیاسی را هم‌زمان ناتوان کرده است؟ سرمایه‌داری از حیث ثروت جامعه را قطعی می‌کند، به طوری‌که قبلی صاحبان ثروت کثی‌رند، اما به هیچ روی قادر نیست همین بلا را بر سر توزیع قدرت بی‌پاورد. حاشیه‌ها دست‌خالی‌اند، اما یک قطب غنی قدرت سیاسی‌اند. مارکس توزیع عادلانه ثروت را یک ضرورت می‌خواند و اشاره می‌کرد که سرمایه‌داری از حق تنگدستی سرانجام سرمایه‌داری را به تجدیدنظر در منطق توزیع ثروت فراخواهد خواند. گرم‌کردن عرصه عمومی برکتی بود که همگان از آن سود می‌جستند. لیبرال‌هایی که مدافع ارزش‌های بنیادین روشنگری بودند، از این گرما برای روشن‌کردن چراغ دموکراسی‌خواهی سود جستند و اسلام‌گرایان برای حقانیت‌بخشی به هویت دینی در جوامع پیرامونی. از صحنه بیرون‌رفتن مارکسیسم، منطق در حاشیه‌نشستن و تبدیل‌کردن حاشیه به امکان حیات سیاسی را از دست همه ربوده است. به همین جهت نیز هست که همگان در تولید افق درم‌انده‌اند. همه حاشیه‌ها را فراموش کرده‌اند و از دولت و ساماندهی بهتر به نهادهای سیاسی سخن می‌گویند. حتی بحث از این هم نازل‌تر است، همه تنها به چند و چون انتخابات بعدی می‌اندیشند. داستان به مارکس ختم نمی‌شود. چیزی در مارکسیسم-لنینیسم هم هست که فقدانش آزاددهنده است. می‌توان به هیچک از آموزه‌های لنین باور نداشت. اما شاکله فکری او حامل میراث مهمی بود که پس از او هیچ مارکسیستی به آن نداوم نبخشد. مارکس حاشیه‌ها را سرچشمه جوشانی برای تولید انرژی سیاسی و افق گرمابخش فردا می‌دید. نبود می‌داد که حاشیه‌ها سرانجام با نیروی حیات سیاسی جمعی خود سامان ناعادلانه موجود را رام خواهد کرد. اما نمی‌دانست که این اتفاق بدون واسطه زبان، فکر و نقش‌آفرینی روشنفکران و فعالان سیاسی روی نخواهد داد. گویی مارکس غافل بود که اگر کسی مثل خود او نبود که این وضعیت را به بیان و زبان بی‌پاورد، حاشیه‌ها به خودی‌خود، زایشگر حیات سیاسی نبودند. مارکس نمی‌دانست این اوست که زبان و بیان را به خدمت حاشیه برده است. تلاقی کلام با یک وضعیت زایشگر سیاست است. این نکته‌ای بود که لنین به آن واقف شد. دانست که روشنفکران اگر رسالتی برای تغییر بر دوش خود احساس می‌کنند، باید عهده‌دار پیوند میان زبان با حاشیه و میدان رنج و محرومیت در جامعه خویش باشند. لنین دانست که مارکس قادر نیست به نحوی عملی و واقع‌بینانه عاملیت سیاسی را توضیح دهد. لنین با تئوریزکردن خلق عاملیت سیاسی مارکسیسم را از این فقدان مهم رها‌نید و راه عملی ورود حاشیه را به متن سیاست گشود. آنگاه حاشیه به کانون تولید حیات سیاسی تبدیل می‌شود. چیزی هست که وضعیت امروز جهان را پیچیده‌تر کرده است: ایک اذهان خلّاقی باید به میان آیند که تحولات اخیر را خوب تحلیل کنند و بتوانند حاشیه‌های بالنده جهان امروز را دریابند و هم‌زمان قدرت به‌زبان آوری و فعلیت‌بخشی به آن را خلق کنند.

سیاست



قلمی به اندازه یک ارتش

نخست‌وزیر ایران شد. در مهرماه ۱۳۳۱ مذاکرات در مقام معاونت سیاسی دکتر مصدق استعفا داد و در انتخابات مجلس هفدهم کاندیدای نمایندگی از تهران شد تا بتواند در مجلس بازوی حمایتی قوی‌تری برای دکتر مصدق باشد. فاطمی رأی آورد اما در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۳۰ ترور شد و به دلیل بستریشیدن در بیمارستان نجمیه عملاً نتوانست در مجلس فعالیت خاصی انجام بدهد ولی با کار روزنامه‌نگاری تأکید کرد که «مجلس هفدهم در مقابل ملت و تاریخ مسئولیت بزرگی دارد». و به‌نفع مردم و کشور است که مجلس با تمام قوا از نهضت ملی حمایت کند. در همین زمان با تلاش‌های مصدق و یارانش شکایت انگلیس از دولت ایران در دیوان لاهه رد شد.^{۲۴}

با رأی مجلس، در ۲۱ تیرماه ۱۳۳۱ فرمان نخست‌وزیری برای بار دوم به دکتر مصدق داده شد. دکتر مصدق می‌بایست برای پیشبرد مذاکرات نفتی و مقابله با تحریم خرید نفت ایران توسط انگلستان و آمریکا کاری می‌کرد؛ پس با توسل به حق قانونی نخست‌وزیر جهت تعیین وزیر جنگ از شاه خواست وزارت جنگ را به او واگذار کند، شاه مخالفت کرد و مصدق استعفا داد، مجلس به نخست‌وزیری احمد قوام رأی موافق داد و در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ فرمان نخست‌وزیری قوام از طرف شاه صادر شد. در ۳۰ تیر مردم به حمایت از مصدق به اعتصاب عمومی زدند و در پی درگیری با نیروهای نظامی تعدادی از آنها کشته و مجروح شدند اما در نهایت مردم پیروز شدند، قوام عزل شد و مصدق دوباره

فراتر از خبر

فاطمی به روایت اسناد سیا

سند شماره ۲۸۳

تهران، ۲۹ مرداد ۱۳۳۲/۲۰ آگوست ۱۹۵۳، به وقت ظهر

ایرانی‌ها از تمام طبقات اجتماعی از نمایش بدی که توسط عناصر ضدشاه طرفدار مصدق اجرا شد ابراز انزجار کردند. برای مثال، زمانی که دسته‌های ارادل و اوپاش پرچم‌های قرمز برافراشتند و با خواندن سرودهای کمونیستی مجسمه شاه را شکستند و به خانه‌ها و مغازه‌ها و تصاویر شاه هجوم بردند مردم خشمگین شدند. مردم به واسطه زبان فریبنده فاطمی، وزیر امور خارجه و سردبیران روزنامه‌های ایرانی حمله‌کننده به شاه، از واقعیت دور شده بودند.

سند شماره ۳۰۶

تهران، ۶ شهریور ۱۳۳۲/۲۸ آگوست ۱۹۵۳

در یکشنبه ۱۶ آگوست (۲۵ مرداد ۱۳۳۲)، اخبار مربوط به مصاحبه مطبوعاتی فاش شد. واقعیت این است که مصدق فرمان شاه (مبنی بر عزل مصدق و انتصاب سرلشکر زاهدی) را دریافت کرده است اما هنوز افراد کمی رونوشت فرمان را دیده‌اند. روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد گزارشاتی از فرمان شاه در چندین روزنامه چاپ شد و فاطمی وزیر امور خارجه منکر فرمان شد. باین‌وجود این سخنان در همه‌جا پخش شد و تعداد کسانی که رونوشت را دیده بودند رو به افزایش بود. در همین زمان، فاطمی به این دلیل که باعث شد مجسمه‌های هردو شاه در شهر تخریب بشوند به ما یاری رساند، سخترانی‌های توفانی او در حمله به شاه ایرانیان را رنجاند و آنها را همصم کرد که دست به عمل بزنند. ترس مردم از خطر کمونیست، به علاوه خشم مردم از اقدامات فاطمی با تمایلات احساسی برای اینکه دست به عمل بزنند ترکیب شد. تنها یک جرقه لازم بود تا آتش سوزی آغاز شود.

سند شماره ۳۲۵

تهران، ۴ مهر ۱۳۳۲/۲۶ سپتامبر ۱۹۵۳

نکرش عمومی نسبت به مشاوران مصدق، به صراحت با بیاناتی که درباره نخست‌وزیر سابق گفته شده بود متفاوت است. وزیر سابق امور خارجه، حسین فاطمی احتمالاً منفورترین مرد در تاریخ معاصر ایرانیان است. عناصر ضد مصدق کمتر از حامیان وفادار به مصدق نسبت به فاطمی تندی می‌کنند، این حامیان وفادار به مصدق به خاطر شکست مصدق، فاطمی را در رأس مشاوران نالایق سرزنش می‌کنند. در روز ۲۸ مرداد زمانی که گزارش شد «مردم حسین فاطمی را تکه‌تکه کردند» به نظر می‌رسد گزارش برای عموم ایرانیان، بدون تردید خوشایند بود. تلاش‌ها برای دستگیری فاطمی هنوز بالاترین خواست عموم مردم است. سپس، همانطور که توسط عموم ایرانیان قضاوت شد نمایندگان مجلس، شایگان، زیرک‌زاده، سنجابی و حبیبی به ترتیب محکوم شناخته شدند. سه نفر اول به همراه فاطمی برای همکاری مصدق با حزب توده سرزنش می‌شوند، حبیبی برای همکاری در شکست دولت مصدق در مسئله نفت و دست‌یافتن به یک توافق مطلوب سرزنش می‌شود؛ یک دلیل قوی برای سرزنش ممکن است این باشد که حبیبی مانند فاطمی، بدون کارآموزی در سیاست از یک موقعیت گمنام به یک موقعیت مؤثر در بالاترین مقام دولت دست یافت. این چهار نفر مانند فاطمی، به یک اندازه نزد حامیان و مخالفان مصدق منفور هستند.

به نظر می‌رسد که نه دولت و نه مردم نگران مجازات مشاوران مصدق و افسرانی مانند افسر سابق ریاحی نیستند؛ فاطمی باید دستگیر شود، این موقعیت ممکن است راحت تغییر کند.

سند شماره ۳۴۴

تهران، ۱۴ آبان ۱۳۳۲/۵ نوامبر ۱۹۵۳

اگرچه ژنرال دادستان (فرماندار نظامی تهران) به طور خاص به نهضت مقاومت ملی جدید که تحت‌تأثیر حزب توده است اشاره نکرد اما نشان داد که دولت از اتحاد میان حامیان گوناگون مصدق و عناصر حزب توده آگاه است. او اعلام کرد که حسین فاطمی وزیر سابق امور خارجه، دکتر سنجابی، مهندس حبیبی و مهندس زیرک‌زاده به طور غیرقانونی از منابعی که در دولت مصدق در اختیار داشتند برای پیشبرد اهداف توده و سازماندهی‌کردن حامیان مصدق استفاده می‌کردند.

حذف شاه و خاندان پهلوی نوشت.^{۲۴} در صبح روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گروهی از ارادل و اوپاش دفتر روزنامه «باختر امروز» را تخریب کردند. کودتاچیان پیروز مأموریت داشتند که هرچا فاطمی را دیدند، بکشند. دوره سخت اختفای فاطمی از ۲۸ مرداد تا ۱۶ اسفند ۱۳۳۲ طول کشید. حسین فاطمی پس از دستگیری، در ۱۹ آبان ۱۳۳۳ اعدام شد. از آن پس، محمدرضاشاه تبدیل به قدرت مسلط در کشور شد، ساواک رفته‌رفته شبکه‌های خود را گسترش داد و تا مدت‌ها ابرهای سیاه استبداد بر ایران سایه افکند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- **آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۴)، «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد کل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، نشر نی، ص ۱۴۲.**

۲- **شیفته، نصرالله، (۱۳۶۴)، «زندگی و مبارزات دکتر فاطمی، نشر آفتاب، ص ۲.**

۳- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۲۶ و ۲۷.**
۴- **رزا ناظم به نقل از محمود حکیمی، (۱۳۸۱)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۲۲۹-۲۴۲.**

فاطمی)، نشر قلم، ص ۱۴۴.

۵- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۲۸-۳۲.**
۶- **همان، ص ۳۴.**

۷- **رزا ناظم به نقل از محمدعلی سفری، (۱۳۷۱)، «قلم و سیاست»، نشر نامک، صص ۹۶ و ۹۷.**

۸- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۴۳-۴۶.**
۹- **همان، صص ۴۸-۵۲.**

۱۰- **آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۴)، «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد کل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، نشر نی، ص ۲۴۹.**

۱۱- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۵۲-۵۴.**

۱۲- **عاقلی، باقر، (۱۳۷۴)، «نخست‌وزیران ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، نشر جاویدان، ص ۵۶.**

۱۳- **آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۴)، «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد کل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، نشر نی، ص ۲۷۹.**

۱۴- **همان، صص ۲۷۹-۳۰۱.**

۱۶- **رزا ناظم بر اساس آرشبو مطالعات و پژوهش تاریخ معاصر ایران، اسناد شماره ۴-۹۰۹-۱۲۱۱ ف ۶۴۰۲۰، ۵-۹۰۹-۱۲۱ ف ۶۴۰۲۱ و ۱۲۱۱-۹۰۹-۱۲۱ ف ۶۴۰۲۲، ۵-۹۰۹-۱۲۱ ف ۶۴۰۲۳.**

۱۷- **نجمی، ناصر، (۱۳۷۰)، «خاطرات سیاسی حوادث تاریخی ایران»، نشر کلینی، صص ۱۴۱-۱۴۳.**
۱۸- **مصدق، محمد، (۱۳۶۵)، «خاطرات و تأملات دکتر مصدق»، به کوشش ایرج افشار، نشر علمی، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.**

۱۹- **آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۴)، «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد کل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، نشر نی، ص ۳۲۱.**

۲۰- **نجمی، ناصر، (۱۳۷۰)، «خاطرات سیاسی حوادث تاریخی ایران»، نشر کلینی، ص ۲۱۸.**

۲۱- **باختر امروز، شماره ۴۱۱، ۳ دی ۱۳۲۹.**

۲۲- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، ص ۱۱۱.**

۲۳- **همان، ص ۱۱۴.**

۲۴- **همان، صص ۱۵۴-۱۶۹.**

۲۵- **رزا ناظم به نقل از گازیرووسکی، (۱۳۷۱)، «سیاست خارجی آمریکا و شاه»، نشر مرکز، ص ۱۲۹.**

۲۶- **ناظم، رزا، (۱۳۸۸)، «سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران»، نشر آگاه، صص ۲۲۹-۲۴۲.**

روزنه

حقوق‌دان:نه سرهنگ

نقدی بر قانون جرم سیاسی

سیدعلیرضا هندی

● **جناب آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم**
همان‌طور که می‌دانید، با گذشت بیش از ۳۷ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی و با وجود اصل ۱۶۸ قانون اساسی، جرم سیاسی تا چندی پیش تعریف نشده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست چگونه یک فرد منتقد می‌تواند نظراتش را بدون اینکه کار خلاف قانون و مستوجب مجازات انجام داده باشد، ابراز کند. اکنون که قانون تعریف جرم سیاسی تصویب شده است و جناب‌عالی آن را به وزارت کشور و وزارت دادگستری ابلاغ فرموده‌اید، نظرتان را به نکات زیر جلب می‌کنم:
در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده است: «سیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین معین می‌کند».

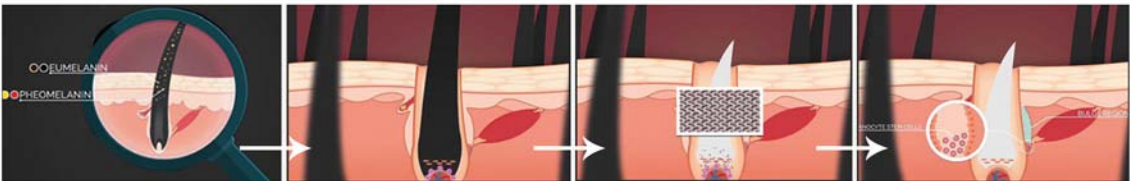
در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۷، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی با اقلیت‌های دینی شناخته‌شده به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان رسید و برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد. در ماده ۱۹ این قانون آمده است:

«شورای عالی قضائی موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه تشکیل هیئت منصفه محاکم دادگستری موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تهیه و با رعایت اصل ۷۴ قانون اساسی تقدیم مجلس نماید».

در مرداد ماه سال ۱۳۷۸، قوه قضائیه اقدام به تهیه پیش‌نویس لایحه جرم سیاسی کرد که از طریق وزیر دادگستری به هیئت دولت تسلیم شد و یک سال بعد، با انجام تغییراتی، تقدیم مجلس ششم شد. این لایحه که مشتمل بر ۲۳ ماده و ۱۴ تبصره بود، در جلسه هشتم خرداد ماه ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی دوره ششم رسید و به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان آن را در ۱۸ مورد خلاف قانون اساسی و شرع تشخیص داد و مردود اعلام کرد.

در فصل اول این قانون، جرم سیاسی چنین تعریف شده است:

بالاخره یک راه برای برطرف کردن سفیدی مو و سیاه شدن از ریشه کشف شد.



مشکل سفیدی مو را از ریشه و برای همیشه (بدون رنگ مو) حل کنیم

چگونه مطمئن باشیم ادعای این محصول (رفع دائم سفیدی مو) واقعیت دارد؟

این محصول به دلیل اثر گذاری قطعی و موثری در از بین بردن موهای سفید و سیاه شدن موها از ریشه موفق به کسب مجوز وزارت بهداشت به عنوان محصول مناسب رفع سفیدی شده است. در همین مدت کوتاه فروش با آمار بالای رضایتمندی مشتریان همراه بوده است، همچنین برای این محصول ضمانت ویژه رجوعی در نظر گرفته شده است. یعنی در صورتی که پس از استفاده از این بسته، مایزیتان به رنگ تیره اولیه بازنگردد می‌توانید محصول را بدون هیچ بهانه ای برگردانده و کل مبلغ پرداختی اولیه را دریافت کنید که این نشانه اعتماد ما نسبت به نتیجه گیری قطعی شما از این محصول می باشدبه خاطر داشته باشید که موها می توانند نقش مهمی در جوان تر به نظر رسیدن و حفظ روحیه و اعتماد به نفس شما بازی کنند. پس دیگه وقتشه موهایی به زیبایی جوانیتان داشته باشید.

بسته ۵۰۴۰ چگونه موها را از ریشه سیاه می کند ؟

بسته رفع سفیدی مو و سیاه کننده مو از ریشه ی ۵۰۴۰ با دارا بودن عصاره های گیاهی نظیر هلیله سیاه، آمله، سیاه دانه، سبوس برنج و همچنین ویتامین ها و مواد مغذی مورد نیاز ریشه مو باعث بازگرداندن رنگ از دست رفته به ریشه موها خواهد شد و به دلیل بازگرداندن فعل و انفعالات طبیعی ساخت رنگدانه به ریشه مو دارای اثر دائمی و مادام العمر می باشد که تنها یک دوره استفاده از آن برای رفع کامل سفیدی مو و سیاه شدن موهای شما از ریشه برای همیشه کفایت خواهد کرد. مکانیزم تأثیر آن هم بسیار ساده است از طریق فراهم ساختن مواد مغذی مورد نیاز ریشه باعث فعالیت حداکثری ریشه و ملانوسیت شده و میزان و شدت فرایند ملانین سازی را افزایش می دهد که این موضوع باعث شده در مدت زمان بسیار کوتاهی شاهد از بین رفتن موهای سفید و همینطور سیاه شدن موهای از ریشه باشید.

چرا موها سفید می شوند ؟
ریشه مو که قسمت اصلی و سازنده ریشه موهای ما است در لایه دوم یا همان درم پوست قرار دارد، در کنار این ریشه کیسه ای به نام ملانوسیت وجود دارد که شامل ملانین یا رنگ دانه می باشد، در واقع مو قبل از اینکه از ریشه خارج شود کاملاً بی رنگ و سفید بوده و به محض خروج از ریشه ملانوسیت ملانین یا رنگ دانه های مو را به کراتین مو تزریق کرده و به این ترتیب رنگ مو ساخته می شود. بسته رفع سفیدی موی ۵۰۴۰ پس از بررسی های بسیار تولید شده است که طی دوره مصرف ۱۲الی۳ ماهه باعث فعال کردن رنگدانه ها و ملانین های اطراف ریشه مویاتان شده و به تدریج با تزریق رنگ به ریشه مو شاهد رویش موی سیاه به جای سفید خواهید بود، همچنین این بسته از سفید شدن سایر تارهای مو جلوگیری به عمل آورده به طوری که در پایان مصرف حتی یک تار موی سفید به جا نخواهد ماند.

علت سفیدی موها و پیامد ها

دائره عوامل مختلفی مانند افزایش سن و نیز اختلال عملکرد تیروئید، استرس، تنش های عصبی و تغذیه نا مناسب و نیز عوامل ژنتیکی دانه های رنگی (ملانین) موجود در اطراف ریشه مو از بین رفته ، به تدریج موها رنگ طبیعی خود را از دست داده و تبدیل به موهای خاکستری و نیز سفید می شوند . اگر چه چنین رخدادی را برای آقایان بالای سی و پنج سال و نیز خانم های بالای سی سال انتظار داریم اما امروز شاهد پدیده ای به نام سفیدی موی زودرس در بین جوانان و حتی نوجوانان هستیم که با کاهش اعتماد به نفس و روحیه این افراد همراه خواهد بود. در این راستا شاید اولین راهکار مرتبط رنگ کردن موها باشد اما باید به عواقب آن نظیر ریزش و آسیب به مو و نیز مصنوعی شدن چهره به ویژه در آقایان توجه داشت.

برای اطلاعات بیشتر عدد **۲۱۳** رابه سامانه پیامکی**۰۵۰۴۰۱۰۰۰** ارسال نمایید.

مشاوره رایگان **۴۵۷۳-۰۲۱**

5040.ir